

سفرنامه همسر عمادالملک به مکه

کوشش: نادر پروانه و زهرا موسیوند



عنوان و نام پدیدآور	سفرنامه همسر عمادالملک به مکه / به کوشش نادر پروانه و زهرا موسیوند.
مشخصات نشر	تهران: نشر مورخان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۱۸ ص:، ۱۴/۲۱×۵/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۵۱۶۲-۸-۷-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
عنوان دیگر	روزنامه سفر مکه.
موضوع	سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۳ اق.
موضوع	Travelers' writings, Iranian -- 19th century:
موضوع	زیارتگاه‌های اسلامی -- عربستان سعودی -- مکه
موضوع	Islamic shrines -- Saudi Arabia -- Mecca:
موضوع	زیارتگاه‌های اسلامی - عراق
موضوع	Islamic shrines -- Iraq:
موضوع	شاهزادگان -- ایران -- خاطرات
موضوع	Princes -- Iran -- Diaries:
موضوع	مکه (عربستان سعودی) -- سیر و سیاحت
موضوع	Mecca (Saudi Arabia) -- Description and travel:
موضوع	عراق -- سیر و سیاحت
موضوع	Iraq -- Description and travel:
شناسه افزوده	پروانه، نادر، ۱۳۶۴ -، گردآورنده
شناسه افزوده	وسیع، زهرا، ۱۳۶۵ -، گردآورنده



سفرنامه همسر عمادالملک به مکه
به کوشش: نادر پروانه و زهرا موسیوند
نویت چاپ: اول - ۱۳۹۸
طراحی جلد: فرود عباسی
صفحه‌آرایی: امیر نیکبخت
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۱۶۲-۸-۷-۰

وب سایت: www.movarekhan.com

ایمیل: movarekhan.publication@gmail.com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است و هر گونه سوءاستفاده، براساس قانون کپی رایت از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۶.....	مقدمه.....
۱۵.....	متن سفرنامه.....
۱۶.....	ذکر احوال و حرکت از طیس.....
۴۷.....	ورود به عراق و زیارت عتبات عالیات.....
۶۹.....	ورود به ریستان و زیارت مکه و مدینه.....
۸۹.....	بازگشت به عراق.....
۱۰۳.....	بازگشت به ایران.....
۱۰۹.....	منابع.....
۱۱۱.....	نمایه.....

www.ketabonline.ir

مقدمه

سفرنامه‌ها یکی از منابع اصلی برای نگارش تاریخ است. از دوره قاجار سفرنامه‌نویسی و نگارش خاطرات به یک جریان فراگیر تبدیل شد که علاوه بر مقامات سیاسی، بازرگانان، شاه، پادشاهان، حتی زنان نیز به نگارش آن روی آوردند. زنان به عنوان نیمه مغفول مانده در طومار تاریخ ایران از یک سو، کمتر به نوشتن پرداخته‌اند و از سوی دیگر نیز کمتر مورد توجه مورخان قرار گرفته‌اند. تا قبل از انقلاب مشروطه خواندن و نوشتن از سوی زنان رایج نبود. در این میان سفرنامه‌هایی که توسط زنان به رشته تحریر درآمده، حائز اهمیت در چنان است. زنان بنا به نگاه غالب در تاریخ ایران و رواج تواریخ درباری و سیاسی، مورد غفلت واقع شده و خود آن‌ها نیز مجالی برای ظاهر شدن در کسوت یک تاریخ‌نگار و نویسنده را نداشتند؛ اما پس از تحولاتی که به دنبال آشنایی با دنیای غرب، رفاه و آسایش ایرانیان به کشورهای خارجی، ترجمه آثار اروپایی، گسترش انجمن‌ها و مدارس برای داد، زنان به فعالیت در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و بعضاً سیاسی روی آوردند و برخی از آنان نیز به نگارش خاطرات و سفرنامه پرداخته و آثاری از خود به جای گذاشتند. روایت‌هایی که در سفرنامه‌ها به نسل‌های بعد و عمدتاً پژوهشگران تاریخ منتقل می‌شود، آن‌ها را قادر می‌سازد تا در پژوهش‌های خود، به مسائل کمتر مورد توجه

اجتماعی، فرهنگی و گاه اقتصادی پیردازند. نگاه از بیرون سفرنامه‌نویسان به مسائلی که برای مورخان معاصرشان، عادی تلقی می‌گردد، حائز اهمیت است. شاید بتوان گفت در سفرنامه‌ها به انبوهی از اطلاعات مهم دست خواهیم یافت که حاصل تفاوت نوع نگاه سفرنامه‌نویسان و مورخان است. حال اگر نویسنده سفرنامه زن باشد به دلیل نوع نگاه، دقت و ظرافت در ثبت جزئیات امور، این اهمیت دو چندان خواهد شد.

اینجا با سفرنامه‌ای سروکار داریم که علاوه بر همه آنچه که بیشتر اشاره گردید دارای حاشیه‌های تحقیقی بسیار سودمندی است که شاید بتوان به آسانی به همه آن در حای دیگری دست یافت. این حاشیه‌ها که سیزده سال بعد از سفر، توسط ابی‌قاسم مادالممالک فرزند عمادالملک، نوشته شده است، انبوهی از اطلاعات جغرافیایی و دینی و یخی در مورد افراد و منازل بین راه ارائه می‌دهد که نشان از فرهیختگی و دانش ورستی

برای پی بردن به اهمیت این سفرنامه و نویسنده آن، باید به بافت و بستر اجتماعی زمان این سفر نگاهی کوتاه بیندازیم. این سفرنامه متعلق به دهه پایانی حکومت ناصرالدین شاه قاجار است و نویسنده آن بهرورش یافته اواخر دوره محمدشاه اوایل دوره ناصری است. اگرچه آشنایی جدی ما با مظاهر تمدنی جدید در این دوره بود؛ اما جامعه با چالش‌های جدی در حوزه روابط اجتماعی و فرهنگی مواجه بود. زنان هنوز حق خواندن و نوشتن را نداشتند و حتی در دوره سروساز که آزادی‌های فراوانی به نسبت عصر ناصری وجود داشت، به مکتب رفتن زنان همچنان مخالفان سرسختی داشت. علاوه بر نگاه سنگین اجتماعی، خانواده‌ها نیز با این مسائل ناآشنا بودند و از این کار جلوگیری می‌کردند.

حال از زاویه‌ای دیگر به این موضوع نگاه کنیم. مسافرت به ویژه مسافرت‌های طولانی، با خطرات متعددی روبرو بود. وسایل حمل و نقل بسیار کم بود. راه‌های ارتباطی ناامن بودند. راهزنی و دزدی در اکثر مناطق و راه‌های ایران وجود داشت. عمال حکومتی تعدیات متعددی به مردم عادی و مسافران داشتند. این موارد مربوط به داخل ایران بود و برای خارج از ایران با مشکلات بیشتری مواجه بودند. زبان

ارتباطی با دیگران فرق می‌کرد. اگرچه تهیه آذوقه و اسباب مسافرت در داخل ایران و در نزدیکی مرزها صورت می‌گرفت؛ اما در خارج از ایران تهیه ملزومات سفر به سختی انجام می‌شد. مسافران در بسیاری از موارد با قحطی و گران‌فروشی مواجه بودند. همه این‌ها و مسائلی دیگر، سبب می‌گردد تا مسافرت‌های غیرضروری نه تنها برای مردان در داخل مرزها کم باشد؛ بلکه در خارج از مرزهای ایران به صورت بسیار محسوس کمتر شود. از سویی دیگر زنان برای هر امری در این دوره به اذن و اجازه شوهر یا پدر احتیاج دارند و معمولاً حتی به بازار رفتن آن‌ها به همراه همسران یا پدران آن‌هاست.

همسر عمادالملک اگرچه از خطرات راه آگاه است، نه تنها به این مسافرت می‌رود؛ بلکه به عنوان سرپرست کاروان چند زن دیگر از جمله مادر، حاجیه آقا، بی‌بی فاطمه، دوست و فیر ربه، نیز به همراه خود می‌برد. این زن علاوه بر این که یک شاهزاده قاجاری آشنایه و ذاتیت خطرناک راه‌ها، دزدی و راهزنی و غیره است، به گفته خودش سه سال نادر و ناصرالدین شاه بوده و هجده سال در دستگاه حکومت عمادالملک بوده است. هم‌این‌ها برای آگاهی از شرایط سخت مسافرت کافی بود. عمادالملک نیز همین مسائل را به او می‌گوید. در چنین اوضاعی او سفر خود را از حاشیه کویر شروع و با گذر از مناطق کوهستانی غرب ایران به عتبات عالیات می‌رود و از آنجا نیز با کشتی عازم مکه می‌شود. بر روی کلی مسیر، نشان از سختی چنین مسافرتی برای یک خانم است. او نه تنها به این مسافرت می‌رود؛ بلکه گزارشی دقیق از وقایع روزانه مسافرت خود می‌انگارد که با توجه به آنجا پست‌ها گفته شد، در ایران آن دوره در میان زنان رایج نبود.

متنی که این شاهدخت قاجاری به دست می‌دهد، بسیار خواندنی و شیرین است. او بسیاری از احادیث و روایات دینی را می‌داند. از ضرب‌المثل‌ها و اشعار به درستی و با دقت استفاده می‌کند. آنچه از متن می‌توان فهمید در طول این مسافرت روزانه به نگارش سفرنامه خود می‌پرداخت و متنی که ارائه می‌دهد مربوط به روزهای گذشته نیست. همه این موارد نشان می‌دهد با یک شاهزاده خانم با فضل و کمالات مواجه هستیم؛ اما این نکته نیز حائز اهمیت است که کاملاً از جامعه عصر خود فاصله

نگرفته است. او اگرچه به معرفی پدر و مادر خود می‌پردازد و سعی می‌کند آن‌ها را تا فتح‌علی‌شاه و نادرشاه معرفی کند؛ اما بنا بر رسم جامعه عصر قاجاری اسمی از خود ذکر نمی‌کند. این به نوع تربیت دوره قاجار برمی‌گردد که حتی زنانشان را به اسم بچه‌هایشان یا با اصوات صدا می‌زنند. این مساله در همسر عمادالملک نیز به خوبی دیده می‌شود. او حتی از آوردن نام اصلی مادر خود امتناع می‌کند و او را با نام شاه‌باجی می‌آورد و در معرفی او می‌گوید که صبیّه محمدکاظم میرزاست. در مورد دیگران نیز همین امر صادق است. وقتی حاجیه‌آقا را معرفی می‌کند، هیچگاه نام او را ذکر نمی‌کند و تنها به این اشاره می‌کند که صبیّه امیر محمدولی خان و زن محمدحسین خان است. شاید اگر می‌توانست از بی‌بی فاطمه، دولت و فیروزه که خدمه و زنده‌هایش بودند، اسم نمی‌برد.

بررسی متن سفرنامه نشان می‌دهد که مخاطب با روایت‌های صحیحی سروکار دارد. آنجا که زنی در راه آن‌ها مشغول بزرگ کردن شده، به حاجی‌ها طعنه می‌زند که آن‌ها را به معصیت می‌آخته است اما از خودش نیز غافل نمی‌شود و می‌گوید من هم مشغول تماشا شده‌ام و می‌خشم. سپس از خداوند به دلیل غیبت کردن، طلب بخشش می‌کند. او حتی از ذکر مرگ و زندگی شیطان نیز غافل نمی‌شود و حالت شک و تردیدش نسبت به دینی که به گفته خودش از پدر و مادر به او رسیده، را ذکر می‌کند و بیان می‌کند که بعد از مریضی طایفان و مرگ برادر، خیالاتی بر او چیره شد از جمله آن خیالات این سوال بود آیا من سیه‌ای که از پدر و مادر به او رسیده است، صحیح است یا اینکه کورکورانه و بدون تحقیق با آن پیوسته است؟ حتی سفر مکه را با این حالت شروع می‌کند و به گفته خودش اسباب خیالش، امر بر وی مشکل کرده بود. این مسائل در واقع در اواخر سفر بیان می‌شود. خدایتی که بعد در ادامه ارائه می‌دهد، نشان از حالت روحی او در تمام طول سفر است. او در این حکایت، خواب‌های خود را تعریف می‌کند و می‌گوید در زیارت‌های قبلی حتی در خانه خدا نیز این خیالات بر من مسلط بود که نهایتاً در نجف اشرف به آرامش و یقین می‌رسد.

دختر مبارک میرزا از سویی به فتح‌علی شاه قاجار می‌رسد و از سویی دیگر از

نوادگان نادر شاه افشار. شاید اینکه او از نوادگان نادرشاه بود و درواقع نسب به افشاریه هم می‌رساند در ازدواجش با عمادالملک بی‌تاثیر نبود؛ چرا که خراسان تختگاه افشاری بود و در آن دوره بسیاری از نوادگان دیگر نادرشاه در خراسان ساکن بودند. اطلاعات دقیقی از این شاهزاده خانم قاجاری در دست است؛ اما با توجه به آنچه پیشتر گفته شد، اسم او مشخص نیست. او در سن پانزده سالگی نامزد ناصرالدین شاه بود و این نامزدی نزدیک به سه سال طول کشید و در سن هجده سالگی به عقد زوجیت عمادالملک می‌رسد. هجده سال در دستگاه عمادالملک رد که سفر خود را در سال ۱۳۰۳ق آغاز می‌کند و درواقع متولد سال ۱۲۶۷ق است. او در سال ۱۳۱۷ق زنده بوده؛ چرا که نسخه حاضر از سفرنامه را یک بار دیگر در این سال رونویس می‌کند و به گفته خودش از سال ۱۳۰۴ق که از نجف اشرف به سمت ایران حرکت می‌کند تا این زمان که «دوباره این مرحله را می‌نویسم هرگز بی‌پول نشدم نه نریب سیزده سال گذشته» است.

آنچه از منابع و نیز این سفرنامه می‌توان فهمید این است که چند همسری، همسر دوم یا سوم کسی شدن، زن صبیغی بودن و بسیاری دیگر از مسائل به صورت امری عادی تلقی می‌شده است. مادام که مراد در غیاب همسرش، زن دیگری اختیار می‌کند. هنگامی که شاهزاده خانم به همراه مادرش به قم وارد می‌شوند، هیچ نشانه‌ای از نارضایتی مادرش وجود ندارد. او خودش چه‌دار نمی‌شد؛ اما می‌دانیم عمادالملک از زن یا زنان دیگرش چندین بچه دارد. به سر: مادالملک در انارک به توصیف «دخترهای خوشکل» می‌پرازد و حسرت می‌خورد که «جای خان خالی است». به گفته خودش برای برادرش پنج زن عقدی و صیغه گرفته‌اند که شاید از او نسلی به یادگار بماند. از طرفی او هیچگاه از خواهر یا خواهرزاده‌هایش صحبتی به میان نمی‌آورد؛ اما به کرات از دو برادرش صحبت می‌کند. همه این‌ها نشان می‌دهد که در دوره قاجار با جامعه‌ای مردسالار مواجه هستیم و زنان در این جامعه از اهمیت و منزلتی برخوردار نیستند. مردان این جامعه حرف اول و آخر را در روابط اجتماعی میان زن و مرد می‌زدند و جالب اینجاست که این مساله برای زنان امری عادی است.

حال مساله را از زاویه دیگری بنگریم. همانطور که پیشتر آمد همسر مبارک میرزا که مادر دخترش هم هست، به همراه شاهزاده خانم به طیس می رود. مبارک میرزا در غیاب همسرش، زن دیگری می گیرد که از او هفت فرزند به دنیا می آید. از بد روزگار همه آن هفت فرزند جز یک پسر چهار ساله می میرند. شاهزاده خانم نیز از عمادالملک صاحب هیچ فرزندی نمی شود. به گفته شاهزاده خانم «حضرت قبله گاهی همان زن را با پسر چهار ساله به بنده خود مرحمت فرمودند [و] فرمودند: بابا، این تا حال این بچه مرحم داغ برادرها و دل خوشی من بود؛ حالا مال تو باشد.» این مساله به خوبی جایگاه زن را در جامعه عصر قاجار نشان می دهد. زنی که شش بچه او می میرد و تنها صاحب یک پسر چهار ساله است، در اولین ملاقات با دختر همسرش، مرد و بچه اش به شاهزاده خانم بخشیده می شود. شاید این قبیل رفتارها، نتیجه نوع تربیت شاهزادگان بود. بهر حال او سه سال نامزد ناصرالدین شاه بود. همسرش عم دالمک، زن دیگری داشت. پدرش زن دیگری می گیرد. برای برادرش پنج زن صیغه و عتبات می گیرند. با این حال طبقات پایین جامعه نیز وضعیت مناسب تری نداشتند.

میزبان آن ها در مغار اردستان، که بسیار تریه است که زنی خلق تنگ دارد. از او جویا می شود که با وجود اینکه خودش ما را به خانه دعوت کرده ای، چرا خلقت تنگ است؟ او می گوید که شوهرش، دو سه سال پیش در ده دیگری زنی را صیغه کرده است. این مساله اگرچه زن کدخدا را می آزارد، اما دلیل ناراحت است، اما آنچه که مشخص است، هنوز هم با کدخدا زندگی می کنند. شاید شرایط جامعه اقتضای این را نداشت که کدخدا را ترک کند. این مساله برای عمادالملک عادی است. او تعجب می کند زنان آنجا چقدر غیرت دارند و به نظر او، سال ندارد اگر شوهر آدم، صیغه کند. همه این موارد نشان از وضعیت اجتماعی جامعه و نیز زنان این دوره است. از این رو سفرنامه حاضر برای شناخت چنین روابط اجتماعی و فرهنگی دارای اهمیت بسیار است.

عنوان کتاب

کتاب پیش رو «روزنامه چه سفر خیریت اثر سرکار نوابه علیه حاجیه شاهزاده خانم» به مکه مکرمه است. این شاهزاده خانم قاجاری سفر خود را از چهارشنبه بیست و یکم شعبان المعظم سال ۱۳۰۳ق شروع می کند و در یازدهم ذی حجه سال ۱۳۰۴ق به طیس برمی گردد. آنچه که در وهله اول مهم بود، عنوان کتاب است. این سفرنامه در فهرست نسخ خطی سازمان اسناد و کتابخانه ملی با عنوان قراردادی «روزنامه سفر مکه» آمده است. از یک سو به نظر می رسد که این عنوان بسیار کلی است. از سویی دیگر نام نویسنده سفرنامه نیز مشخص نگردید.

در این رو با توجه به اطلاعاتی که می توان به دست آورد، دو راه وجود داشت. نخست عنوان سفرنامه دختر مبارک میرزا و دوم سفرنامه همسر عمادالملک. با توجه به دلایلی که در ادامه برآید شد. مبارک میرزا اگرچه پسر محمود میرزا قاجار و درواقع نوه فتحعلی شاه است اما گویا در قم ساکن بود و به ویژه در دو دهه اواخر عمر خود به خدمات دولتی که در اشتغال داشت. از سویی دیگر عمادالملک برای مدت ها حاکم تون و طیس بود و او را الین شاه در ازدواجش با این شاهزاده خانم دخیل بود. همسر عمادالملک پیش از آنجا که سال از ورودش به طیس می گذشت که تصمیم به این سفر می گیرد و در واقع در مدت این هجده سال، هیچ ملاقاتی با پدرش نداشته است و از آنجایی که مادرش نیز با او در طیس و در خانه عمادالملک زندگی می کرده، پدرش زن دیگری نیز اختیار می کند. لذا طبیعی است با توجه به این توضیحات برگزیدن عنوان همسر عمادالملک مناسب تر و گویاتر از دختر مبارک میرزا باشد.

ویژگی های نسخه خطی

این نسخه از سفرنامه همسر عمادالملک به عنوان تنها نسخه موجود ساخته شده، به شماره بازیابی ۱۸۴۲۲-۵ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران موجود است. تحریر و کتابت این اثر در سال ۱۳۱۷ق توسط یکی از کاتبان محلی به نام میرزا محمدعلی بن محمدجعفر موسوی انجام شده و حاشیه های آن نیز توسط ابوالقاسم عمادالممالک در غره ذی حجه ۱۳۱۷ق نوشته شده است. نوع کاغذ این نسخه،

فرنگی نخودی روشن و در ۵۷ برگ، ۱۶ سطری و در قطع ۲۲۰*۱۴۲ است. کاتب از خط نستعلیق تحریری استفاده کرده و تزئینات آن شامل نشان‌ها به سرخی مجدول به دو قلم سرخ و آبی است. جلد آن تیماج یک لاقه‌های ضربی با خطوط هندسی حاشیه ضربی و اندرون کاغذ آبی، و در لبه برخی اوراق متن پارگی وجود دارد.

روش تصحیح

سفرنامه همسر عمادالملک به چند دلیل دارای پیچیدگی‌های خاصی بود. نخست آنکه این سفرنامه توسط یک شاهزاده خانم قاجاری نوشته شده است که اگرچه اهل خط و ادب بود؛ اما جمله‌های نامفهوم و اغلاط املایی فراوانی داشت. دوم اینکه میرزا محمدعلی سوم، که تحریر این سفرنامه را برعهده داشته است علاوه بر اینکه یک کاتب محلی است، چندان جایگاهی در میان کاتبان دوره قاجار ندارد. سومین ویژگی که اهمیت دارد، حاشیه‌هایی است که توسط ابوالقاسم عمادالممالک نگاشته شده و در بیشتر موارد به نوعی تصحیح انجام داده است.

با وجود این، باز به موارد فراوانی خواهیم خورد که نیاز به تصحیح دارد. چند روش برای تصحیح این اثر مدنظر بود. در نهایت از میان روش‌های مختلف، شیوه تصحیح حاضر انتخاب شد. در این روش حاشیه‌های ابوالقاسم عمادالممالک با علامت اختصاری «ما» یعنی مصحح اول ذکر گردید و سایر موارد به صورت «مد» یعنی مصحح دوم آمده است. این نوع استفاده از علامت اختصاری «ما» و «مد» بدان دلیل بود که تفکیکی بین حاشیه‌های مصحح اول و دوم صورت گیرد و در بعضی موارد، اشتباهات مصحح اول نیز اصلاح شود.

همه مواردی که در پرانتز () آمده است از مصحح اول و هرچه که در قلاب [] قرار گرفته است از مصححان دوم است. در این مورد چند استثنا هم وجود دارد که مصحح اول چند کلمه را اصلاح کرده‌اند: به همین دلیل در مواردی که متن داخل قلاب از مصحح اول است با عبارت «از ما» یعنی متعلق به مصحح اول، توضیح داده شده است. سعی شد تا کلماتی که به صورت پیوسته نوشته شده است به صورت امروزی آورده شود به عنوان مثال به‌مراه به صورت به همراه ذکر شده است. از سویی دیگر کلمات جدا شده به صورت پیوسته آمده است. مثال مناسب در این مورد کلمه

خانه واده است که به خانواده تبدیل شده است. در موردی کلماتی مانند قاین به قائن تبدیل شده است.

سعی گردید تا با استفاده از منابع دست اول تاریخی، توضیحات لازم ذکر شود و به همین دلیل بیشترین تأکید مصححان بر منابع سفرنامه‌ای و جغرافیایی بود. در گویاسازی بسیاری از منازل این سفر، به ویژه در مناطق کویری و خارج از ایران با کمبود منابع مواجه بودیم و از سویی دیگر تعداد زیادی از این منازل دیگر وجود خارجی ندارند و حتی در سفرنامه‌های این دوره از آن‌ها با عنوان مکان‌های مخروبه یاد شده است. این امر سبب شد تا از سفرنامه‌های حج مدد جوئیم.

www.ketab.ir